

عنوان پادکست: در طلب خداوند

در طلب خداوند - قدوسیت (بخش ۱) شاهد پر از قوت

نازی: شما درباره گناه چه باوری دارید؟ آیا می‌دانید که باور شما درباره گناه تأثیر مستقیم بر کیفیت زندگی مسیحی شما دارد؟

سابرینا: این باور در واقع چراغ سبزی به ایمانداران مسیحی ای می‌دهد که با گناه در زندگیشان سازش کنند، و در عین حال که خودشان را مسیحی می‌خوانند، ولی از دیدگاه‌ها و سبک زندگی دنیوی براحتی پیروی کنند، فلسفه‌ای که اعلام می‌کند "تو می‌توانی مسیحی خوبی باشی ولی بطور مستمر در گناه و رفتارها و عادات گناه آلود زندگی کنی!"

نازی: شنوندگان عزیز، با برنامه‌ای دیگر از پادکست "دل‌هایمان احیا کن" با صدای سابرینا اصلان، در خدمت شما دوستان گرامی هستیم.

آیا این روزها شما در طلب خداوند بوده‌اید؟ در طلب خداوند، عنوان برنامه‌ای است که در طول چند هفته اخیر از پادکست "دل‌هایمان احیا کن" پخش شده است. اگر موفق به شنیدن این برنامه‌ها نبوده‌اید از شما دعوت می‌کنیم که آنها را تحت عنوان موضوعاتی از قبیل فروتنی، صداقت، توبه و فیض دنبال کنید.

در چند برنامه آینده، ما به موضوع دیگری خواهیم پرداخت. موضوعی که به زندگی مسیحی شادی و زیبایی می‌بخشد. این موضوع قدوسیت نام دارد. از شما دعوت می‌کنیم با ما در بررسی این موضوع مهم همراه شوید.

سابرینا: به نظر شما چه خصوصیتی در یک کلیسا، بیش از همه باعث می‌شود که آن کلیسا به بهترین نحو، دنیای اطراف خود را به مسیح جذب کند و تأثیرگذار باشد. شاید بسیاری بر این باور باشند که برنامه‌های خوب و مفید کلیسایی در رسیدن به این مقصود خیلی مهم هستند. مثلاً اگر یک کلیسا، کانون شادی خوب و یا برنامه جوانان پر بار و غنی داشته باشد، تأثیرگذار است. بعضی‌ها ممکن است بگویند که اگر کلیسایی از موسیقی سطح بالا و تیم پرستشی حرفه‌ای برخوردار باشد، و برنامه‌های سطح بالا برای اعیاد کریسمس و قیام مسیح اجراء کند،

و یا فعالیت‌های متنوع برای سنین مختلف داشته باشد، افراد زیادی را به مسیح جذب می‌کند. برخی هم ممکن است فکر کنند که اگر فعالیت‌های متنوع برای گروه‌های سنی مختلف ایجاد شود، افراد بیشتری به کلیسا خواهند آمد. نظر بعضی‌ها هم این است که فقط موعظه‌های جذاب افراد را به سوی مسیح جذب می‌کند.

ولی واقعاً چه خصوصیتی در کلیسا شهادت قدرتمندی از مسیح در بین اطرافیان به جای می‌گذارد؟

چارلز هدن اسپرچن (Charles Hadden Spurgeon) که معروف به شاهزاده‌ واعظین مسیحی است، نظری متفاوت دارد. او درباره کلیسای محلی می‌گوید: "هر بخشی از کلیسا که در پاکی و قدوسیت قدم بگذارد، همان بخش تأثیر و شهادتی بسیار قدرتمند از مسیح در بین دنیای گمشده از خود به جای می‌گذارد."

واقعاً چه خصوصیتی باعث می‌شود که یک کلیسا در بین اجتماع اطراف تأثیرگذار باشد؟ بله، همان بخشی از کلیسا که به قدوسیت و پاکی عمل می‌کند ... همان بر دنیای اطراف اثر خواهد گذاشت.

پس اگر واقعاً این اصل درست است، پس هر یک از ما باید برای دیدن قدوسیت در کلیسایمان نقش خود را در بایم. بله، این خیلی خوب است که کلیساهای ما از برنامه‌های متنوع و مفید بچه‌ها، نوجوانان، جوانان، زنان، مردان و بالاخره هر گروه سنی برخوردار باشند. این عالی است که کلیساهای ما برنامه موسیقی و پرستش سطح بالا داشته باشند. ولی اگر کلیساهای ما از قدوسیت و پاکی‌ای که کلام خدا درباره آن صحبت می‌کند، برخوردار نباشند، ممکن است تأثیرات زیادی از خودشان بجا بگذارند، ولی در نهایت برای مسیح شهادتی قدرتمند از خود بجا نگذاشته‌اند.

یکی از دلایل پیشرفت تعالیم و مذاهب کاذب در آمریکا این است که کلیسا در قدوسیت برای مسیح شهادتی قدرتمند از خود بجا نگذاشته است. چرا واقعاً کلیسا در جامعه سکولار (دنیوی) تأثیر گذاری چندانی نداشته است؟ اگر بخواهیم صادقانه به این سؤال پاسخ دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که یکی از دلایل مهم، نبود قدوسیت در کلیساها بوده است.

آیا نگرش دنیای بی ایمان اطراف، نسبت به کلیسا این هست که آنها افرادی هستند که با قدوسیت و پاکی زندگی می‌کنند؟ عدم قدوسیت در کلیسا، چیزی است که باید توجه هر یک از ما را به عنوان فرزندان خدا به خودش جلب کند.

متأسفانه یکی از دلایل مهم این است که تعلیم و موعظه صحیح درباره گناه و لزوم قدوسیت در بسیاری از کلیساها دیگر کنار گذاشته شده است. ما کمتر موعظه و درسی درباره لزوم پاکی و قدوسیت در زندگی روزانه مسیحی می‌شنویم.

البته گاهی درباره گناه موعظه می‌شود، ولی تا جایی که بصورت کلی به آن اشاره می‌شود، و ما معمولاً با شنیدن آن موعظه مشکل نداریم. ما اغلب دوست نداریم درباره گناه بصورت خاص صحبت کنیم و از گناهانمان بصورت خاص اسم ببریم. و به عنوان شنونده یک موعظه، تا جایی که درباره گناهان دیگران صحبت می‌شود، ما معمولاً

مشکلی نداریم، ولی اگر کسی درباره گناه خاصی در زندگی ما صحبت کند، آن را فضولی و دخالت در حریم شخصی می‌دانیم، و بسیاری از اوقات، بر افراد برچسب شریعت‌گرا و لیگالیست می‌زنیم.

و بالاخره وقتی که من و شما دوست نداشته باشیم درباره جدیت گناه و اثرات آن بشنویم، از کنار بسیاری از متون کلام خدا هم که درباره جدیت گناه صحبت می‌کند، خواهیم گذشت ... متونی که به تنفر خدا از گناه، به برخورد جدی با گناه، و بالاخره خشم و داوری خدا نسبت به گناه اشاره می‌کنند.

ما معمولاً دوست داریم که درباره فیض و رحم و محبت و دلسوزی خدا بشنویم، ولی حقیقت این است که تا زمانی که موضوع گناه و جدیت خدا نسبت به آن و بالاخره موضوع داوری عنوان نشود، موضوع بخشش و محبت خدا هم ارزش واقعی خودش را از دست می‌دهد. ما تا زمانی که ندانیم از چه وضعیتی نجات یافته‌ایم، به عمق و ارزش نجات در مسیح و رحم و محبت او پی نخواهیم برد.

و این انجیل و خبرخوش آن است که مسیح با محبت خود ما را از داوری و غضب الهی نجات داده است. در واقع هر انجیلی که فقط به محبت خدا اشاره می‌کند، ولی نظر جدی خدا را نسبت به گناه و مجازات آن در نظر نمی‌گیرد، انجیل واقعی نیست. باور [به] این نوع انجیل از ما افرادی می‌سازد که فکر کنیم ما می‌توانیم مسیحیانی باشیم که با گناه رابطه‌ای مسالمت‌آمیز داشته باشیم، ایماندارانی که در عمل مشکلی با رفتارها و اعمال گناه‌آلود ندارند. این نوع طرز فکر در واقع باوری را ترویج می‌دهد که می‌گوید "تو می‌توانی در کنار زندگی گناه‌آلود، یک مسیحی ایماندار خوب هم باشی!"

این باور در واقع چراغ سبزی به ایمانداران مسیحی‌ای می‌دهد که با گناه در زندگیشان سازش کنند، و در عین حال که خودشان را مسیحی می‌خوانند، ولی از دیدگاه‌ها و سبک زندگی دنیوی براحتی پیروی کنند، فلسفه‌ای که اعلام می‌کند "تو می‌توانی مسیحی خوبی باشی ولی بطور مستمر در گناه و رفتارها و عادات گناه‌آلود زندگی کنی!" ما یواش یواش این فلسفه را پذیرفته‌ایم و جزئی از زندگی مسیحی خود کرده‌ایم. و متأسفانه اگر کسی مردم را با گناهانشان بصورت خصوصی و یا اگر لازم باشد بصورت عمومی رویارو کند، این عمل را اهانت می‌نامیم.

اخیراً یکی از دوستان، گروهی از جوانان مسیحی را گرد آورده بود تا جلسه مطالعه کتاب مقدس با آنها داشته باشد. موضوع بحث آن روز دنیا و دوستی با دنیا بود. آنها در این جلسه به تحلیل بعضی از آوازاها و ترانه‌های دنیوی رایج در بین جوانان می‌پرداختند. در یکی از این آوازاها، خواننده با استفاده از کلماتی ناشایسته، کشتن مادر خود را در جزئیات به ترسیم می‌کشد. پس از تحلیل واژه‌های استفاده شده در این ترانه، بعضی از نوجوانان فجیع بودن طرز گفتار و واژه‌های استفاده شده را بصورتی جدی قلمداد می‌کنند. سپس از آنها سؤال می‌شود که آیا شما دوباره اینچنین آوازهائی گوش خواهید داد، اگر چه با پیغام آنها مخالف باشید؟ به استثنای دو نفر، همه نسبت به شنیدن اینچنین آوازهائی ابراز علاقه کردند. این دوست که با این جوانان جلسه مطالعه کتاب مقدس داشت، با روحیه‌ای دلسرد ادامه داد که متأسفانه این نسل به جدیت زندگی مقدس و متفاوت از دنیای اطراف پی نبرده‌اند.

متأسفانه ما در انتقال پیغام قدوسیت و پاکی زندگی مسیحی به نسل جوان و اهمیت عدم سازش با استانداردهای دنیوی با امانت برخورد نکرده‌ایم. زندگی مسالمت آمیز ما با چیزهایی که با استانداردهای خدا مغایرت دارند، در بین مسیحیان امروزی بسیار نرمال شده است. و وقتی کسی بین بی ایمانان و ایماندار مسیحی فرقی نمی‌بیند، در این بین عطری وجود ندارد که افراد را جذب عطر و طعم خوش مسیح کند. متأسفانه سازش با استانداردهای دنیوی باعث می‌شود که طرز فکر ما نسبت به درست و غلط کاملاً عوض شود، و به قول اشعای نبی، درست، غلط فرض می‌شود، و غلط، درست انگاشته می‌شود.

واعظ معروفی به نام "ونس هاونر" Vance Havner سالها پیش در یکی از موعظه‌هایش می‌گوید: "کلیسایی که افراد آن فقط ادعای مسیحیت دارند، ابتداءً با دنیا رابطه‌ی دوستانه و مسالمت آمیز ایجاد می‌کند، سپس عاشق آن می‌شود، و روزی فرا می‌رسد که دعوتنامه‌ی عروسی با آن را پخش می‌کند. بله، ازدواج و پیوند عاشقانه بین کلیسا و دنیا!"

ولی حالا ببینیم که کلام خدا در این رابطه چه دارد که به ما بگوید؟ در مزمور ۸۵: ۱۳ می‌خوانیم: «عدالت پیشاپیش وی خواهد رفت و راهی برای قدمهای وی مهیا خواهد ساخت.» در کلام خدا، عدالت، در واقع اشاره به یک زندگی مقدس و راست با خداست. در واقع، قدوسیت راهی است که آمدن حضور خداوند را فراهم می‌کند. در اشعای فصل ۳۵ می‌بینیم که اشعای سلطنت هزار ساله‌ی مسیح را بر زمین تشریح می‌کند. در آیه ۸ او اشاره به شاهراهی می‌کند که شاهراه قدوسیت نام دارد. این آیه می‌گوید: «در آنجا شاهراهی خواهد بود که "راه مقدس" نامیده خواهد شد.»

عزیزان، کار ما از حالا تا آمدن مسیح تدارک دیدن برای این شاهراه قدوسیت است. زندگی پارساگونه‌ی یک ایماندار و قدوسیت او دست در دست هم پیش می‌روند. اگر من و شما خود را ایماندار به مسیح می‌نامیم، زندگی ما بر یک خصوصیت کلیدی به نام قدوسیت تمرکز دارد ... خصوصیت کلیدی‌ای که مثل یک شاهراه عمل می‌کند و آن شاهراه، شاهراه قدوسیت است ... زندگی مقدسی که با استانداردهای دنیا رابطه‌ای مسالمت آمیز ندارد ... شاهراهی است که راه را برای آمدن مسیح فراهم می‌کند.

اگر واقعاً من و شما طالب بیداری روحانی و احیای روحانی هستیم، اگر واقعاً ما طالب آن هستیم که حضور مسیح بطور حقیقی در بین ما دیده شود، باید شاهراه قدوسیت را بنا کنیم. اگر کلیسا واقعاً طالب بیداری روحانی است، باید از دنیا طلاق بگیرد. این بدان معنی نیست که خودمان را از دنیا جدا می‌کنیم و تارک دنیا می‌شویم و در کوهها زندگی می‌کنیم. این بدان معنی هم نیست که دیگر درباره‌ی افراد گمشده در دنیا هم فکر نکنیم. نه! ولی باید بیاد داشته باشید که اگر ما با قدوسیت زندگی نکنیم، برای رساندن پیام انجیل به دنیای گمشده اطرافمان اصلاً واجد شرایط نیستیم. بنابراین، کلیسا واقعاً نیاز دارد که در نقش عروس پاک و بی لکه مسیح به قدوسیت و پاکی خودش اهمیت دهد تا بدینوسیله آن تأثیری را که خدا می‌خواهد بر دنیای اطراف بگذارد.

نکته دیگری که خدا می‌خواست به قوم خود بفهماند این بود که در زندگی مقدس، برکت هست، و زندگی مقدس داشتن یعنی زندگی پر برکت داشتن. خدا در عین حال می‌خواست که انسانها بفهمند که گناه با خود نتایج دردناک و مهلک به همراه می‌آورد. خدا می‌خواست به قوم خود بفهماند که زندگی گناه آلود با خود نتایج ناخواسته و ناخوشایند را به همراه دارد. نتایجی که منتهی به مرگ و نابودی می‌شوند.

متأسفانه گاهی ما فکر می‌کنیم که خدای عهد عتیق خدایی است غضبناک و سختگیر که معیارها و استانداردهای بالایی به انسانها ارائه می‌دهد، و در نتیجه گناه را هم بی نتیجه نمی‌گذارد و گناهکار را بشدت مورد داوری قرار می‌دهد. بسیاری از افراد نامبرده در عهد عتیق بخاطر ارتکاب گناه کشته می‌شوند. و بعد وقتی وارد عهد جدید می‌شویم، فکر می‌کنیم که خدا تغییر کرده است، و حال می‌شود یک نفس راحت کشید چون آن خدای جدی عهد عتیق در عهد جدید تبدیل به خدایی رحیم، با محبت و مهربان شده است که خدای انجیل و خبر خوش نام دارد. ولی حقیقت این است که خدا در طول کتاب مقدس تغییر و تبدیل نپذیرفته است. خدا هیچوقت عوض نمی‌شود. خدای عهد عتیق، همان خدای عهد جدید است، و خدای عهد جدید هم همان خدای عهد عتیق است. سالها پیش من شروع به مطالعه جدی موضوع قدوسیت در کتاب مقدس کردم. مطالعه‌ای که زمان زیادی برد و در پنج کتاب اول عهد عتیق یعنی پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه بود. و بعد این مطالعه را تا به عهد جدید مخصوصاً رسالاتی که به کلیساها نوشته شده بود، ادامه دادم. در این مطالعه سعی کردم هر آیه‌ای که یکجوری با موضوع قدوسیت مربوط می‌شد را مورد بررسی قرار دهم.

در این مطالعات متوجه شدم که در کتاب خروج تأکید زیادی بر موضوع قدوسیت شده بود و بعد دیدم که فقط در کتاب لاویان ۳۸۶ بار واژه‌هایی از قبیل پاک، ناپاک، مقدس، جدا شده، تقدیس شده، خلوص، شستشو، و نجس و ... بکار برده شده بود. در این کتاب ما بارها با مراسم ظاهری و فیزیکی تطهیر، پاکسازی و شستشو برمی‌خوریم. ولی چرا؟ چون خدا می‌خواهد که انسان درک کند که او خدایی است قدوس که برای قدوسیت و پاکی اهمیت قائل است. در واقع تمام این مراسم و اعمال، تصویری است که خدا از قدوسیت خود ترسیم می‌کند. او می‌خواست که مردم بدانند که نظر خدا نسبت به قدوسیت به همه اجزاء و جزئیات زندگی مربوط می‌شود. این برای خدا اهمیت دارد که ما زندگی طاهر و مقدس داشته باشیم. چون قدوسیت ما بر همه بخش‌های زندگی ما تأثیر می‌گذارد.

ما در کل عهد عتیق نیز با فیض و رحم خدا روبرو می‌شویم. و در عین حال در عهد جدید هم با عدالت و انصاف خدایی بر می‌خوریم. در واقع صلیب مسیح جایی بود که این دو یعنی فیض و رحم خدا و داوری و عدالت خدا با هم ملاقات می‌کنند. همانطور که نویسنده مزمور می‌گوید: «عدالت و سلامتی یکدیگر را بوسیده‌اند.» (مزمور ۸۵: ۱۰) بله، صلیب مسیح جایی بود که بخاطر رحمت خدا، گناه تا به آخرین حد امکان و اشد مجازات مورد داوری قرار گرفت.

بنابراین، اینطور نیست که عهد جدید تأکید کمتری بر قدوسیت و جدیت او نسبت به این موضوع نشان داده باشد. خود مسیح و سایر نویسندگان عهد جدید بارها و بارها ایمانداران را به پاکی و قدوسیت زندگی مسیحی دعوت کرده‌اند.

بیابید در این راستا، به چند آیه در عهد جدید مراجعه کنیم. بسیاری از این آیات، آیات آشنا و معروفی هستند. مثلاً مسیح در متی ۵: ۴۸ گفت: «پس شما کامل باشید چنانکه پدر آسمانی شما کامل است.» عهد جدید، همیشه ما را دعوت می‌کند که بالاتر از استانداردهای معمولی و پذیرفته شده باشیم.

خود مسیح گفت که مثلاً در عهد عتیق به شما گفته شده بود که قتل نکن، و هر کس مرتکب قتل شود محکوم خواهد شد. اما من به شما می‌گویم هر کس نسبت به برادر خود عصبانی شود محکوم خواهد شد. و هر که برادر خود را ابله بخواند به دادگاه برده خواهد شد و اگر او را احمق بخواند مستوجب آتش جهنم خواهد بود. در عهد عتیق گفته شده بود که زنا مکن، ولی من به شما می‌گویم که اگر کسی با نظر شهوت به زنی نگاه کند زنا کرده است.

پس در عهد جدید، حتی انتظار بر این است که از استاندارد معمولی مقدس تر باشی. و پیغام قدوسیت و پاکی بر خلاف گمان بسیاری از مردم در عهد جدید نه فقط کمرنگ تر نمی‌شود، بلکه بصورتی کامل تر مورد تأکید قرار می‌گیرد.

پولس رسول در اول تیموتاؤس ۵: ۲۲ می‌گوید: «خود را پاک نگاهدار.»

و در اول تسالونیکیان ۴: ۳ می‌گوید: «اراده خدا این است که مقدس باشید.»

پولس در اول قرنتیان ۱۵: ۳۴ می‌گوید: «درست فکر کنید و دیگر گناه نکنید.» (ترجمه شریف)

و در دوم تیموتاؤس ۲: ۱۹ می‌گوید: «هر که به نام خداوند اقرار می‌کند، باید از شرارت کناره جوید.»

او در رومیان ۱۲: ۹ می‌گوید: «از بدی بیراز باشید و به آنچه نیکوست، سخت بچسبید.»

این آیات و بسیاری از آیات دیگر همگی نشان دهنده این واقعیت مهم هستند که قدوسیت در نظر خدا موضوعی پر اهمیت است. قدوسیت موضوعی است که خدا آن را بسیار مهم و جدی تلقی می‌کند.

پس اگر این موضوع، یعنی قدوسیت آنقدر در نظر خدا مهم و حیاتی است، چرا برای ما ایمانداران از اهمیت کم و ناچیزی برخوردار است؟ چرا ما آن را نادیده می‌گیریم؟ چرا قدوسیت و مقدس و پاک زیستن جزو الویتهای مهم زندگی ما ایمانداران مسیحی نیست؟ اگر این موضوع برای او پراهمیت است، برای ما نیز باید پراهمیت باشد.

این آیات برگرفته شده از عهد جدید، نشان دهنده چند حقیقت بسیار روشن است.

قدوسیت و مقدس زندگی کردن، برای یک ایماندار مسیحی واقعی، موضوعی اختیاری نیست. در واقع زمانی که ما به مسیح ایمان می‌آوریم، این بدان معنی نیست که "خوب اگر خواستی، می‌توانی مقدس و پاک زندگی کنی."

یا اینکه وقتی مسیحی شدی، تو حق انتخاب داری که در چه قسمت‌هایی مقدس زندگی کنی. کلام خدا صریحاً به ما می‌گوید که اراده‌ی خدا این است که مقدس باشید. این آیه را می‌توانید در اول تسالونیکیان ۴: ۳ پیدا کنید. این آیه کاملاً نشان می‌دهد که تقدس و پاکی زندگی ما چیزی انتخابی یا اختیاری نیست. بلکه چیزی است که به عنوان یک ایماندار باید از آن به عنوان خواست و اراده‌ی خدا در زندگی‌مان اطاعت کنیم.

پس شماره‌ی یک این بود که مقدس زندگی کردن ما انتخابی یا اختیاری نیست. دومین چیزی که از این آیات استنباط می‌شود این است که خدا ما را به پاکی و قدوسیت مطلق خود دعوت می‌کند. او نمی‌خواهد که ما پاکی و قدوسیت زندگی خودمان را با دیگران از جمله پدر و مادر و برادر و خواهر و یا همکار یا اشخاص دیگر در کلیسا مورد مقایسه قرار دهیم چون ممکن است که ما در مقایسه با بسیاری از آنان، بی‌لک و بی‌عیب بنظر آییم.

ولی موضوع این است که ما هیچگاه قادر به رسیدن به مرحله‌ی قدوسیت و پاکی خدا نخواهیم بود. نکته‌ی مهم این است که برای همین ما نیاز به مسیح داریم، برای همین ما نیاز به فیض، این قدرت مافوق طبیعی خدا داریم. ما نیاز به کمک روح‌القدس داریم. ما به صلیب مسیح و درک کار او بر صلیب نیاز داریم. بله، ما احتیاج داریم که خود را با قدوسیت خدا مقایسه کنیم و برای رشد در این قدوسیت نیز احتیاج به کمک او داریم.

نکته‌ی دیگری که این آیات بر ما روشن می‌کنند این است که ما در پیاده کردن قدوسیت و پاکی در زندگی‌مان باید بسیار مسئولانه و هدفمند برخورد کنیم. زندگی مقدس چیزی نیست که به خودی خود در ما ایجاد شود و در عین حال چیزی نیست که یک شبه در ما اتفاق بیفتد. قدوسیت چیزی نیست که فقط با کتاب مقدس خواندن و کتب تفسیری در ما ایجاد شود. زندگی مقدس، چیزی است که ما باید روزانه و هدفمندانه آن را دنبال کنیم.

نکته‌ی بعدی این است که مقدس زیستن فقط مخصوص برخی از ایمانداران که از دیگران روحانی‌تر هستند و یا مقام روحانی دارند نیست. مثلاً زندگی مقدس و پاک فقط مختص به شبانان و واعظین و مبشرین و یا افرادی که در خدمت تمام وقت مسیحی هستند، نیست. قطعاً همگی این افراد باید زندگی مقدسی را دنبال کنند. اما بر اساس آیاتی که برای شما قبلاً خواندم، قدوسیت، تعهد و امتیازی است که مربوط به هر فرزند حقیقی خدا می‌شود. همچنانکه کلام خدا در دوم تیموتاؤس ۲: ۱۹ می‌گوید: «هر که به نام خداوند اقرار می‌کند [هر فرزند حقیقی خدا که به اسم مسیح معترف است] باید از شرارت کناره جوید.»

بله، هر که به نام خداوند اقرار می‌کند باید از شرارت کناره جوید و در واقع زندگی مقدسی را دنبال کند، چون بر حسب اول تسالونیکیان ۴: ۳ اراده‌ی خدا برای هر یک از ما این است که مقدس باشیم.

نازی: در برنامه‌ی امروز دیدیم که چگونه همه‌ی ما به عنوان ایمانداران به مسیح نیاز به رشد در قدوسیت داریم.

از شما دعوت می‌کنیم که در کنار شنیدن این برنامه‌ها، کتاب **در طلب خداوند** را نیز تهیه کنید و در اسرع وقت به مطالعه آن پردازید. در این کتاب موضوعاتی از قبیل قدوسیت، توبه، فیض و صداقت و هرآنچه که ما را به تجربه شادی بخش بیداری روحانی شخصی رهنمون می‌کند مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

بنظر شما "متفاوت بودن از دنیا" به چه معنی است؟ در برنامه آینده به این موضوع خواهیم پرداخت. پس از شما دعوت می‌کنیم که با ما در بررسی این موضوع همراه شوید.

سابرینا: "آه ای خداوند، اعتراف می‌کنیم که کلیسای تو امروز آن عروس پاک و بی لکه و بی چین نیست که جلال تو را به دیگران نشان دهد و این موضوع قلب ما را به درد می‌آورد. ما در حضور تو اعتراف می‌کنیم که دنیا و آنچه که در آن است را بیشتر از تو دوست داریم و به آن دل می‌بندیم، با آن زندگی مسالمت آمیز داریم و از علایق آن لذت می‌بریم، ولی اعتراف می‌کنیم که نوشیدن از حوضهای کثیف دنیا هیچگاه تشنگی حقیقی و عمیق ما را رفع نمی‌کند. ای خداوند، ما را بیدار کن. ما را نسبت به درک و لزوم زندگی مقدس بیدار کن. ای خداوند، از کلیسای خودت شروع کن. از من شروع کن. ای خداوند، به ما قلبی عطا کن که از گناه و شرارت و ناپاکی بیزار باشد و به پاکی و قدوسیتی که تو می‌خواهی بچسبد. به ما عطا کن که گناهکاران را محبت کنیم و در حالی که در شاهراه قدوسیت قدم برداشته‌ایم، راه را مهیا کنیم تا تو و محبت و زیبایی تو بر آنها نیز ظاهر شود. در نام مسیح می‌طلبیم. آمین."

آنچه در این برنامه‌ها خدمت شما شنوندگان گرامی ارائه می‌شود، تعالیم نانسی دیماس و لگموت، با صدای فارسی سابرینا اصلان است که به سمع شما می‌رسد. ترجمه و تهیه این برنامه‌ها حاصل همکاری دو مؤسسه «دل‌هایمان احیا کن» و «راستی» می‌باشد.